

عربی ۳

درس ۱

للتعريب؛ ص ۲

الف) الهی، اجعل محبتک فی قلبی

اختبر نفسک؛ ص ۵

وقف - ودع - وصف -

اختبر نفسک؛ ص ۶

۱ - سیرت - عادت - بعث

۲ - قلت - فزنا - ساروا (قلتما - قلت - قلتن)

۳ - نحن فزنا هُنَّ عُدْنَ

انتم بعتم هما تابا

هم ساروا انتما قلتما

اختبر نفسک؛ ص ۷

هی تجول هم یبیعون

یکی از امیران از حکیمان کشورش درباره خطرناک ترین بیماری ها پرسید و از آن ها خواست که دارویی برای او تجویز کنند که برای بهبودی آن سودمند باشد. پس سخن میان آن ها چرخید و سپس گفتند: خطرناک ترین بیماری ها همان نادانی است و داروی آن جوهر و قلم است چون انسان می تواند به وسیله آن ها بنویسد و دانش بیاموزد و به هدف های خود برسد و در زندگی اش رستگار شود.

۱ - یصفوا ← تجویز می کنند

یُفیدُ ← سود می دهد

دارَ ← جریان یافت - چرخید

قالوا ← گفتند

یستطیعُ ← می تواند

یصلُ ← می رسد

یَفوزُ ← رستگار می شود

-۲

کارگاه ترجمه؛ ص ۱۱

اسلام به تربیتی توجه دارد که بر پایهٔ احترام به شخصیت کودکان از پسر و دختر به طور یکسان استوار است. پیامبر (ص) همواره بر آن تأکید داشت و تأکید بر احترام به خردسالان را ترک نمی کرد. روزی مردی نزد پیامبر (ص) نشسته بود و بعد از چند لحظه پسر کوچکش آمد و بر پیامبر سلام کرد و سپس به طرف پدرش آمد. پدرش او را بوسید و نزد خود نشاند. رسول خدا (ص) از کار او شاد شد. و پس از اندکی دخترش آمد و بر پیامبر سلام کرد و سپس به طرف پدرش رفت. اما پدر او را نبوسید و نزد خود نشاند. رسول خدا (ص) از کار او ناراحت شد و گفت: چرا بین کودکان فرق می گذاری؟

مرد احساس پشیمانی کرد و آمد و دست او را گرفت و او را بوسید و نزد خود نشاند.

اختبر نفسک؛ ص ۱۸

انتم هدیتیم هم رموا
نحن دعونا هم تلون

هم تلوا انت دعوت
نحن رمینا انتم هدیتیم

اختبر نفسک؛ ص ۲۰

۱- راه می روند- امید دارد- هدایت می کنند- پرتاب می کنند
۲- هما یهدیان ص هن یتلون ص هما تلون غ
هم یرمین غ هی یرمی غ هن یدیتن غ

اختبر نفسک؛ ص ۲۱

الف) هل تدعو ربک مخلصا
ب) انتم تتلون القرآن
ج) هم (اولئک) یرجوم ربهم
د) المؤمنون یردون الضالین

تمرین اول؛ ص ۲۳

مردی پیر بیمار شد و از این که روی پای خود راه رود عاجز ماند. فرزندش تلاش کرد که از پدرش خلاص شود. روزی او را بر پشت خود سوار کرد تا وی را بیرون شهر رها کند. پدر بیچاره تسلیم شد و فرزندش را نهی کرد چون او به هدایتش امیدی نداشت. در میان راه پسر احساس خستگی کرد و نزدیک درختی باز ایستاد تا استراحت کند. در این هنگام پدر به درخت نگاه کرد و سپس این عبارت شریف را خواند: (هیچ دگرگونی و هیچ نیرویی جز به دست خداوند نیست). فرزند پرسید: تو را چه شده است؟ پیرمرد گفت: حکایتی را با پدرم فراموش نمی کنم. پدرم را که از بیماریش بهبودی نمی یافت به بیرون شهر بردم و او را به گوشه ای افکندم و وی را ترک نمودم و اکنون من سزای کارم را می بینم. فرزند سخن پدر را شنید و از فرجام کار خود ترسید و به روی پاهای پدرش افتاد و گفت: پدر جان ببخش از من راضی باش از خطایم درگذر از پروردگارت بخواه که از گناه بزرگم درگذرد.

۱- یمشی (مضارع ناقص) سعی (ماضی ناقص) یدع (مضارع مثال)
لم ینه (مضارع ناقص) لم یرج (مضارع ناقص) توقف (ماضی مثال)
یستریح (مضارع اجوف) تلا (ماضی ناقص) قال (ماضی اجوف)
أنسی (مضارع ناقص) لم یشف (مضارع ناقص) القیت (ماضی ناقص)
خشی (ماضی ناقص) وقع (ماضی مثال) إرض (امر ناقص)
أعف (امر ناقص) أدع (امر ناقص) یعفو (مضارع ناقص)

۲- نعم، تاب الولد من ذنبه

۳- جزاء العمل

تمرین دوم:

یمشون

تنسون

إشف

إقض

تمرین سوم:

یرثُ ← پ

عباد ← ب

الصالحون ← الف

کارگاه ترجمه:

پدیده رنگین کمان با رنگ های زیبایش در روزهای بارانی ظاهر می شود و این رنگ ها آسمان را دلربا می سازد. ولی این امر باعث زندانی شدن یکی از دانشمندان روم در سده های گذشته بود. رومیان اعتقاد داشتند که رنگین کمان عزابی از سوی خداوند برای مجازات مردم است. اما این دانشمند به آنچه دانشمند مسلمان قطب الدین شیرازی نوشت اعتقاد پیدا کرده بود همان اولین کسی که به پرسشگران از اسرار این پدیده پاسخ داد وقتی کشف کرد که رنگین کمان موقع بارش باران به خاطر شکسته شدن پرتو خورشید و قطره های کوچک آب در هوا موجود است اتفاق می افتد. پس رومیان دانشمند خود را به حبس ابد محکوم کردند و وقتی او مُرد جسد او را سوزاندند. در آن مرحله مسلمانان در علوم به منزلت والایی رسیده بودند و با یک دست پرچم توحید و با دستی دیگر مشعل هدایت را برافراشته بودند.

درس ۳

اختبر نفسک؛ ص ۳۳

الف) ترتیلا ب) تنزیلا ج) محاسبه

اختبر نفسک؛ ص ۳۵

الف) فتحنا - فتحا

ب) یعیشُ - عیشَ

ج) قولا

د) أحسنتُ - إحسان

اختبر نفسک؛ ص ۳۶

الف) مفعولٌ به ب) مفعولٌ به ج) مفعول مطلق نوعی بیانی

اختبر نفسک؛ ص ۳۷

الف) الیوم ب) اللیل و النهار ج) اللیل و النهار د) یوم

تمرین اول؛ ص ۳۸

الف) مفعول مطلق: ابتسامه (نوعی) - تحیه (نوعی) - مشاهده (نوعی)

مفعول فیهِ: صباح - لحظه - عند

ب) کان الاطفال یلعبون

ج) کان نبی (ص) فرحا بفرح الاطفال

تمرین دوم؛ ص ۳۹

الف) ب و ج

ب) الف

ج) الف

تمرین سوم؛ ص ۳۹

الف) الحسنات: اسم إنَّ ومنصوب با کسره

السیئات: مفعولٌ به و منصوب با کسره

ب) الیوم: مفعول فیهِ

دین: مفعولٌ به

نعمه: مفعولٌ به و تقدیرا منصوب

ج) اذا: مفعول فیهِ و محلا منصوب

الناس: مفعولٌ به

کارگاه ترجمه؛ ص ۴۰

۱- ب ۲- ب ۳- الف

درس ۴

تدریب: ص ۴۸

الف) ما شیا

ب) ضاحکا

ج) راغب

اختبر نفسک: ص ۴۸

الف) الطالب ← صاحب حال

ب) المؤمن ← صاحب حال

ج) الطفل ← صاحب حال

خاشعا ← حال مفرد و منصوب

شاکرا ← حال مفرد و منصوب

صامتا ← حال مفرد و منصوب

تدریب: ص ۴۹

الف) کریم

ب) متأملا

ج) مظلوما

اختبر نفسک: ص ۵۰

الف) متکاسلا

ب) صادقا

ج) معتدیا

تدریب: ص ۵۱

الف) خاشعین

ب) صامه

ج) قانعات

اختبر نفسک: ص ۵۱

گزینۀ ۴ خالی از خطا است.

اختبر نفسک: ص ۵۱

۱- مظلوما ← حال مفرد و منصوب

المطمئنه ← صفت و مرفوع

سلطانا ← مفعول به و منصوب

راضیه ← حال مفرد و منصوب

تمرین اول: ص ۵۳

الف) صاحب حال:

حال: ملتمسا - فرحا - مسرعا - هازنا - متعجبا - معتذرا

ب) طلب من الرجل ألا یخبر

ج)

د) نعم، ندم الرجل علی عمله

تمرین دوم: ص ۵۴

الف) این جمله حال ندارد

ب) ضعيفا

ج) مبشرین

د) جمیعا

تمرین سوم: ص ۵۴

۱- المؤمنین: مفعول به اول و منصوب با یاء

المؤمنات: معطوف و منصوب به تبعیت

جنات: مفعول به دوم و منصوب به کسره

تجری: جمله وصفیه و محلا منصوب

خالدین: حال و منصوب به یاء

۲- فتحا: مفعول مطلق نوعی بیانی

۳- اموال: مفعول به و منصوب

کارگاه ترجمه: ص ۵۵

در جنگ احد وقتی که مشرکان پیش رفتند گمان کردند که پایان اسلام نزدیک شده است. رُمیصا شنید فریاد آن ها را: بشتابید به سوی آن خیمه ای که محمد در آن است. محمد را بکشید. رمیصا منتظر نماند. نیروی عظیمی احساس کرد جسورانه پیش رفت و خنجرش را در پشت مشرکی فرو کرد که قصد کشتن پیامبر کرده بود. سپس نزدیک خیمه پیامبر در کمین ایستاد و گفت: ای نوادگان شیطان بیایید. طنی مسلمان با شما خواهد جنگید. پس با شجاعت جنگید و زخم های زیادی برداشت. مشرکان ترسان و حشت زده فرار کردند و پیامبر اکرم (ص) با ستایش رمیصا به سوی اصحاب خود رفت.

اختبر نفسک؛ ص ۶۵

۱- الف) قولا

ب) اجرا

۲- الف) لسانا

ب) ایمانا- خلقا

اختبر نفسک؛ ص ۶۶

۱- خبر و مرفوع

۲- تمیز و منصوب

۳- مفعول به و منصوب

۴- خبر کان و منصوب

۵- اسم لای نفی جنس، مبنی بر فتحه و محلا منصوب

تمرین اول؛ ص ۶۷

عده ای در مقابل رسول خدا (ص) مردی را ستودند و برای وی همه خصلت های خوب را ذکر کردند. او از نظر اخلاق برترین مردم و بیشترین آن ها در خواندن قرآن و از نظر ایمان قوی ترین و پر عبادت ترین آن ها است. پس رسول خدا (ص) گفت: عقل آن مرد چگونه است؟ پس گفتند: ای رسول خدا به شما درباره کوشش او در عبادت و کارهای خویش اطلاع می دهیم حال آن که شما درباره عقل او از ما می پرسید؟ پس فرمود: نادان با حماقت خود بیش از فساد تبهکار دچار می کند (آسیب می زند) و فردا بندگان... بر پایه عقل هایشان مرتبه می یابند.

۱- عن عقل الرجل

۲- بالعقل

۳- مَدَحَ قَوْمٌ إِمَامَ رَسُولِ اللَّهِ رَجُلًا وَ ذَكَرُوا لَهُ جَمِيعَ خِصَالِ الْخَيْرِ.

إِنَّهُ أَفْضَلُ الرِّجَالِ خَلْقًا وَ أَكْثَرُهُمْ قِرَاءَةً لِلْقُرْآنِ وَ أَقْوَاهُمْ إِيْمَانًا وَ أَشْرَهُمْ عِبَادَةً

تمرین دوم؛ ص ۶۸

۱- مفعول مطلق نوعی بیانی

۲- تمیز و منصوب

۳- حال و منصوب

تمرین سوم؛ ص ۶۸

الف) معرفه ← نکره معرب ← مبنی تقدیرا ← محلا

ب) مشتق ← جامد ممنوع من الصرف، منصرف

کارگاه ترجمه؛ ص ۶۹

مهربانی ← مهربان باش

بهترین مؤمنان با ایمان از دیگران خوش خلق ترند ← بهترین مؤمنان از نظر ایمان خوش خلق ترین آن هاست.

که مردم ← که با مردم برخورد می کنند ← برخورد کنیم.

دو درجه از ایمان ← دو درجه

کسی که یک درجه از ایمان دارد ← به دارنده یک درجه
کنار دست توست ← پایین دست تو است
می افتد ← تو را به پایین می اندازد
دیدنی ← می بینی
او را نزد خود بالا بیاور ← او را با ملایمت به سوی خود بالا بیاور
مؤمنی را ← هر کس مؤمنی

درس ۶

للتعريب: ص ۷۳

۱- أنا أعتنم أيام الشباب من عمري

۲- إنَّ العزَّ في اغتنام الفرص

اختبر نفسك: ص ۷۶

۱- الناس ← مستثنى منه المجدين ← مستثنى

كلّ شيء ← مستثنى منه وجّهه ← مستثنى

۲- همانا انسان در زیان است مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند.

هر چیزی جز ادب وقتی زیاد گردد ارزان می شود.

تمرین اول: ص ۷۷

رسول خدا (ص) تنها وارد مسجد شدند و آن جا جز دو گروه ندیدند. گروهی علم می آموختند و گروهی جز دعای الهی کاری نداشتند. حضرت فرمود: هر دو مجلس به خیر هستند. اما این ها خدا را می خوانند و این ها دانش دیگر فرا می گیرند و نادان را علم می آموزند این ها برتر هستند. من برای یاد دادن فرستاده شده ام سپس با آن ها نشست.

۱- شاهد جماعتین، جماعة یتفقہون و جماعة یدعون الله

۲- التعلیم

۳- وحیداً: حال و منصوب عمل: اسم ناقصه و مرفوع

الله: مفعول به و منصوب الجاهل: مفعول به و منصوب

هولاء: مبتدا و محلا مرفوع ارسلت: فعل مبنی و مجهول و نایب فاعل آن ضمیر بارز ت

تمرین دوم: ص ۷۸

۱- استشيرُ الناسَ اِلَّا الجاهلینَ

۲- کلّ شيءٍ هاکف اِلَّا وجّهه

تمرین سوم: ص ۷۸

گزینۀ الف درست است

کارگاه ترجمه:

تصحیح غلط های ترجمه:

زیباترین ← شگفت انگیزترین

راه رفتن ← پرواز کردن

گوش ها به او کمک می کند ← گوش هایشان به آن ها کمک می کنند

و او از چشمش هنگام پرواز استفاده نمی کند ← پس آن ها از چشم هایشان هنگام حرکت استفاده نمی کنند

پس از پرواز ← خلال پرواز

این حیوان ← او

بلندی ← کوتاهی

دریافت می کند ← می فرستد

به شیء ← به چیزی

بر می گردد ← به سوی او بر می گردد

می بیند ← می شنود

دریافت می کند ← درک می کند

بهره نمی برد از این توانایی مگر خفاش ← از این توانایی فقط خفاش بهره می برد

اختبر نفسک؛ ص ۸۶

یا جواد- یا فاطمه- یا علی- یا مریم- یا کاتب الدرس- یا طالب المدرسه- یا سعید- یا سمیر- یا حافظ القرآن

اختبر نفسک؛ ص ۸۷

رافع- ایتها

اختبر نفسک؛ ص ۸۷

الف) النهار ← معطوف و مرفوع به تبعیت

ب) ولفجر ← مجرور به حرف جر (جار و مجرور)

تمرین اول؛ ص ۸۸

ای عزیزان، اسلام علم و عالمان را گرامی داشته است و آن ها از مجاهدان در راه خدا به شمار آورده است. و این پیشرفت عملی مسلمانان در عرصه فکر و کشف اسرار هستی بوده است. در اسلام دانشمندان در طب، ستاره شناسی، شیمی، داروسازی، دانش دریانوردی، جغرافیا، ریاضیات، جبر، هندسه و سنجش موقعیت ستارگان درخشیدند.

مسلمانان در جستجوی دانش به دورترین نقاط زمین سفر می کردند در حالی که اروپا دانشمندان خود را در گروه خارج شدگان از دین و بیرون رفتگان از کنیسه وارد می کردند. برخی از دانشمندان معاصر اروپایی بر برتری دانشمندان مسلمان در قرن های گذشته اعتراف کرده اند. یکی از آن ها می گوید: ای دانشمندان مردم بدانید ما وقتی به کتاب های مسلمانان نگاه می کنیم شگفتی ما را فرا می گیرد چون در آن ها آرا و نظریه هایی می یابیم که (پیش از این) اعتقاد داشتیم ما آن ها را برای اولین بار طرح کرده ایم.

۱- کانت او رو با تدخل علماء ها فی زهرة المارقین من الدین و الخارجین عن الکفیسۃ.

۲- لَأَنَّ الْإِسْلَامَ كَرَّمَ الْعِلْمَ وَالْعُلَمَاءَ وَعَدَّهُمْ مِنَ الْمَجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

۳- عَدَّ ← فعل و فاعل آن ضمیر مستتر هو

هم ← مفعول به و محلا منصوب

علماء ← فاعل و مرفوع

الفلک ← معطوف و مجرور به تبعیت

با حیث ← حال و منصوب به یاء

علماء ← مفعول به و منصوب

ها ← مضاف الیه و محلا مجرور

بغض ← فاعل و مرفوع

علماء ← منادی مضاف و منصوب

الامۃ ← مضاف الیه و مجرور

نظریات ← معطوف و منصوب به تبعیت

تمرین دوم؛ ص ۸۹

الحمد: اسم، مفرد مذکر، معرب، معرفه به ال، منصرف، صحیح الآخر، جامد / مبتدا و مرفوع

ل: حرف جر، عامل جر، مبنی بر کسره

الله: اسم، مفرد مذکر، جامد، معرب، منصرف، معرفه، صحیح الآخر/ مجرور به حرف جر و خبر و محلا مرفوع

ایاک: ضمیر منفصل منصوبی، للمخاطب، معرفه، مبنی بر فتحه / مفعولٌ به اول و محلا منصوب
نَعْبُدُ: فعل مضارع، متکلم مع الغیر، ثلاثی مجرد، صحیح، متعدی، معرب، معلوم / فعل و فاعل آن ضمیر مستتر
نحن

إهد: فعل امر، للمخاطب، معتل و ناقص، ثلاثی مجرد، مبنی / فعل و فاعل آن ضمیر مستتر انت
ما: ضمیر متصلی فاعلی، متکلم مع الغیر، معرفه، مبنی بر سکون / مفعولٌ به و محلا منصوب
الصراط: اسم، مفرد مذکر، معرفه، معرب، صحیح الآخر، منصرف، اسم فاعل و مصدر آن استقامه / صفت و منصوب
به تبعیت

الله: خبر و مرفوع

الله: مبتدا و مرفوع

کارگاه ترجمه؛ ص ۹۰

الفجرة: بدکاران

عَرَّ: مغرور شد

اثیم: گنهکار

کُدرت: تاریک شود

حامیه: سوزان

شفیتن: لب